

Impact of Earnings Management on Tone of Financial Reporting in Iranian Accounting System

Mohammad Pourkarim

Ph. D. Student in Department of Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Saeed Jabbarzadeh Kangarlouei*

Associate Professor of Department of Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Jamal Bahri Sales

Assistant Professor of Department of Accounting, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Hassan Ghalavandi

Associate Professor of Department of Educational management, Urmia University, Urmia, Iran

Abstract

The purpose of this study is to assess the effect of earnings management on tone of financial reporting in Iranian accounting system. The tone is identified by the ratio of positive and negative words contained in the annual financial reports. Earnings management is feasible using two methods of real and accrual-based. In this research, the earnings management has been examined using three models (Jones, Modified Jones and Caznik) and real earnings management using Roychowdhury model. Target sample consists of 119 companies listed in Tehran Stock Exchange during 2010 to 2016. To examine the research hypotheses, multivariate regression has been used. The results of the research show that the accrual-based earnings management calculated based on the Caznik and Modified Jones models has a significant and negative effect on the pessimistic tone. In other words, it increases pessimistic tone by reducing the accrual-based earnings management. The opportunistic behavior applies to the financial reporting tone of the managers to divert the perception of the users of information. However, calculated accrual-based earnings management of Jones model and real earnings management have no significant effect on the pessimistic tone.

Keywords: Accounting Narratives, Accrual-based Earnings Management, Pessimistic Tone, Real Earnings Management.

* s.jabbarzadeh@iaurmia.ac.ir

پژوهش‌های حسابداری مالی
سال دهم، شماره سوم، پیاپی (۳۷)، پاییز ۱۳۹۷
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰ و ۱۳۹۷/۰۹/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۵
صص: ۴۴-۲۱

تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی در نظام حسابداری ایران

محمد پورکریم^{*}، سعید جبارزاده کنگرلویی^{***}، جمال بحری ثالث^{***}، حسن قلاوندی^{****}

^{*}دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

pourkarimv@yahoo.com

^{**}دانشیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

s.jabbarzadeh@iaurmia.ac.ir

^{***}استادیار گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

bahrsls.j@gmail.com

^{****}دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

galavandi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی در نظام حسابداری ایران است. لحن با کمک نسبت واژه‌های مثبت و منفی مشخص می‌شود که در گزارش‌های مالی سالانه موجود است. مدیریت سود با استفاده از دو روش اقلام تعهدی و واقعی امکان‌پذیر است که در این پژوهش، مدیریت سود تعهدی با استفاده از سه الگوی (جونز، تعدیل‌شده جونز و کازنیک) و مدیریت سود واقعی با استفاده از الگوی روی چودهری آزمون شده‌اند. نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۱۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مدیریت سود تعهدی محاسبه‌شده براساس الگوهای (کازنیک و تعدیل‌شده جونز) بر لحن بدبینانه تأثیر منفی و معناداری دارد؛ به عبارتی با کاهش مدیریت سود تعهدی، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. بر این اساس، دیدگاه فرصت‌طلبانه در خصوص لحن گزارشگری مالی مدیران صدق می‌کند تا از این طریق، ادراک استفاده‌کنندگان از اطلاعات را منحرف کنند؛ در حالی‌که مدیریت سود تعهدی محاسبه‌شده براساس الگوی جونز و همچنین، مدیریت سود واقعی، بر لحن بدبینانه تأثیر معناداری ندارند.

واژه‌های کلیدی: گزارش‌های توضیحی حسابداری، لحن بدبینانه، مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی

مقدمه

حسابداری را در بیشتر کتاب‌های مشهور رشته حسابداری، همچون نظریه‌های حسابداری بلکویی و هندریکسن، زبان تجارت می‌دانند. مراجع رسمی حرفه حسابداری (فدراسیون بین‌المللی حسابداران)^۱ که خبرنامه‌های واژه‌شناسی حسابداری را منتشر می‌کنند، نیز این پنداشت را تأیید کرده‌اند که حسابداری یک زبان است [۱]. در دهه‌های اخیر، توسعه بازارهای سرمایه و پیچیدگی روزافزون بازارها و رویدادهای مالی و اقتصادی، انتظارات از حسابداری را افزایش داده و علاوه بر اطلاعات عددی و مالی، خواستار ارائه اطلاعات غیر عددی، غیر مالی و توصیفی نیز شده است. در گزارش‌های توضیحی حسابداری همیشه انتخاب‌های زیادی وجود دارد که این انتخاب‌ها را مدیر و نویسنده انجام می‌دهد و در آنها درجاتی از اختیار در رابطه با محتوای گزارش و حتی شکل آن وجود دارد. انتخاب‌ها ممکن است اختیاری یا غیراختیاری باشد و حتی این اختیار در انتخاب‌ها در لحن و نحوه بیان و نوشتار مدیران نیز مشاهده می‌شود، به این مفهوم که نوع نوشتار آنها در گزارش‌های مالی و تن صدا و لحن آنها در جلسات (مجامع عمومی و سایر جلسات با سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان) در هنگام ارائه گزارش باعث ایجاد تغییر در برداشت استفاده‌کنندگان می‌شود. به طور کلی، استفاده از گونه‌های زبان‌شناسی (لحن خوش‌بینانه / بدبینانه) را مدیران در گزارش‌های غیر عددی، توضیحی و حتی شفاهی به عنوان شکلی از ادراک هدفدار، عمدی و آگاهانه، به منظور دستکاری و انحراف در ادراک به کار می‌گیرند [۴]. شرکت‌هایی که سود را دستکاری

می‌کنند یا شرکت‌هایی که در معرض نقض قرارداد بدهی و بحران مالی قرار دارند، به احتمال زیاد بر کیفیت گزارشگری مالی خود تأثیر می‌گذارند. براساس رویکرد مدیریت سود فرصت‌طلبانه، شرکت‌های دارای مدیریت سود، از لحن خوش‌بینانه در گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند. در مقابل، شرکت‌هایی که مدیریت سود نمی‌کنند یا مدیریت سود آنها پایین است، لحن بدبینانه را به کار می‌گیرند. در چنین مواردی، شرکت‌ها تمایل دارند اقلام تعهدی اختیاری مثبت زیادی را به منظور افزایش قیمت سهام نشان دهند [۲۹]. در مواردی هم که برخی عوامل از قبیل معیارهای حسابداری سخت‌گیرانه، مدیریت اقلام تعهدی اختیاری را برای مدیریت با محدودیت روبه‌رو می‌سازد، با تغییر زمان انجام عملیات، نحوه تخصیص منابع و یا زمان اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری، دست به مدیریت سود واقعی می‌زنند؛ بنابراین، شرکت‌ها برای تأثیر گذاشتن بر ادراک سهامداران و برآورده کردن انتظارات آنها، ممکن است متمایل به استفاده از روش‌های قانونی و غیرقانونی از قبیل دستکاری سود (مدیریت سود) یا کاهش محافظه‌کاری حسابداری باشند [۲۴].

با گسترش چشمگیر بازار سرمایه ایران در سال‌های اخیر، افراد زیادی به فعالیت در این بازار مشغول شده‌اند که بسیاری از این افراد در واقع افرادی غیر حرفه‌ای‌اند؛ بنابراین، مدیران شرکت‌ها در تلاش برای ارائه اطلاعات درباره عملکرد آتی شرکت، مجموعه‌ای از اطلاعات کمی و کیفی را منتشر می‌کنند. پژوهش حاضر نیز با بررسی لحن زبان (خوش‌بینانه / بدبینانه) در گزارش‌های مالی، جنبه دیگری از اطلاعات کیفی را که مدیران ارائه کرده‌اند مورد توجه قرار می‌دهد، تا از این طریق

¹. IFAC

بتوان درک بیشتری از انگیزه و تأثیر به‌کارگیری زبان گزارشگری مالی متفاوت در گزارش‌های سالانه ایجاد کرد؛ اما چنین پژوهش‌هایی، با شکل و ترکیب ادبی درخصوص گزارشگری مالی در زمینه حسابداری مالی (که مستلزم آشنایی خوب پژوهشگران حسابداری نسبت به نظریه‌های زبان‌شناسی و همچنین ادبیات است) کمتر دیده می‌شود و جای خالی چنین پژوهش‌هایی با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه موضوع، به‌خوبی حس می‌شود. پژوهش‌های متعدد در این حوزه عموماً به بررسی تأثیر مدیریت سود بر کیفیت افشا و گزارشگری مالی به لحاظ به موقع بودن، مربوط بودن (محتوای اطلاعاتی داشتن)، ساختار افشا به لحاظ اختیاری و اجباری بودن و دیگر خصوصیات کیفی افشا پرداخته‌اند؛ ولی در هیچ‌یک به تجزیه و تحلیل لحن گزارشگری مالی مدیر در گزارش‌های سالانه و بررسی تفاوت لحن مدیر هنگام انجام مدیریت سود اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی نپرداخته‌اند؛ بنابراین، با توجه به موارد مطرح شده، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی تأثیر دارد.

بخش‌های دیگر پژوهش حاضر به‌ترتیب شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌ها، جامعه آماری، روش جمع‌آوری داده‌ها و روش پژوهش است. در انتها، یافته‌های پژوهش و نتایج آزمون پژوهش و همچنین، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در چند سال اخیر، طیف جدیدی از پژوهش‌های حسابداری در حال شکل‌گیری و توسعه هستند که

به ارزیابی تأثیر اطلاعات غیرعددی (توضیحی) و حتی شفاهی انعکاس‌یافته در یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی و کنفرانس‌های حسابداری از قبیل توضیحات منتشرشده درباره سود شرکت، مقاله‌های خبری رسانه‌ای، بحث و تحلیل‌های مدیریتی، گفت‌وگوهای کنفرانسی و گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره پرداخته‌اند. این طیف از پژوهش‌ها در ابتدا بر تأثیرگذاری آنها بر رفتارهای قضاوتی سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان پرداخته، سپس به بررسی و ارزیابی سایر جنبه‌های آنها، از قبیل شیوه‌ها و رویکردهای زبان‌شناختی و نحوه استفاده از آنها در اینگونه اطلاعات پرداخته‌اند. این بدنه جدید از پژوهش‌های حسابداری، در واقع نوعی دیگر از توجه به حسابداری به عنوان یک زبان با تأکید بر اطلاعات غیرعددی و توضیحی آن است [۴]. به عبارت دیگر، تصمیمات سرمایه‌گذاری صرفاً متأثر از معیارهای اقتصادی نیست، از عوامل دیگری از قبیل ساختار و نوع اطلاعات، روحیه سرمایه‌گذار و ... نیز متأثر می‌شود. چنانچه بر اساس نتایج پژوهش ریلی و همکاران^۱ [۳۲] شکل ارائه اطلاعات و نیز طبق پژوهش مک‌گریگور^۲ و همکاران و لوکس^۳ و همکاران، ایجاد احساس مثبت و تصویر قوی در ذهن استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی، بر تصمیم‌گیری آنها تأثیر می‌گذارد و به جذب آنها به سرمایه‌گذاری منتهی می‌شود [۸].

در حال حاضر، دو مکتب فکری در خصوص موارد افشا در گزارش‌های توضیحی مدیران وجود دارد که این دو دیدگاه کاملاً متقابل‌اند؛ دیدگاه نخست، یعنی دیدگاه تهیه اطلاعات تکمیلی مفید،

^۱. Riley

^۲. MacGregor

^۳. Lux

^۴. Provision of Useful Incremental Information

اشاره می‌کند مدیران گزارش‌های توضیحی را برای کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی مابین خود و سرمایه‌گذاران انتشار می‌دهند، در حالی که دیدگاه دوم، یعنی رفتار فرصت‌طلبانه^۱ (در قالب مدیریت ادراک^۲) اشاره می‌کند که مدیران از عدم‌تقارن اطلاعاتی موجود بین خود و سرمایه‌گذاران بهره‌برداری و از آن به‌منظور گزارشگری جانبدارانه با استفاده از روش مدیریت ادراک استفاده می‌کنند [۱۶]. هاگیمسترا [۲۳]، مدیریت ادراک را اینگونه تعریف می‌کند: «یک شاخه مطالعاتی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی است و به مطالعه این موضوع می‌پردازد که چگونه افراد برای ایجاد درک مطلوب از خود در دیگران، خود را معرفی می‌کنند». در زمینه گزارشگری شرکت‌ها نیز، مدیریت ادراک به‌صورت «تلاش به‌منظور کنترل و دستکاری تصویر انتقالی به استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری» در نظر گرفته می‌شود [۱۳]؛ در نتیجه، براساس این دیدگاه، مدیران از گزارش‌های توضیحی حسابداری به‌عنوان ابزاری برای مدیریت ادراک استفاده می‌کنند تا با استفاده از آن «به‌صورت راهبردی، ادراک و تصمیمات استفاده‌کنندگان از اطلاعات را دستکاری و منحرف کنند» [۳۶]. در واقع وی از مدیریت ادراک استفاده می‌کند تا پیغامی را که می‌خواهد منتقل کند و یا باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های گیرندگان پیغام را هماهنگ کند تا آنها به نتیجه دلخواه هدایت شوند [۶].

تعبیر دیدگاه رفتار فرصت‌طلبانه (در قالب مدیریت ادراک) از راهبردهای افشای مدیران بر مبنای شکل ضعیف کارایی بازار قرار دارد. بر طبق آن فرض می‌شود سرمایه‌گذاران در کوتاه‌مدت توانایی ارزیابی

جانبدارانه‌بودن گزارش‌های مدیریت را ندارند. براساس این فرض، مدیران از مدیریت ادراک برای تأثیرگذاری بر قیمت سهام به‌منظور افزایش پاداش خویش استفاده می‌کنند. در مقابل، دیدگاه اطلاعات تکمیلی مفید بر مبنای شکل نیمه‌قوی و قوی کارایی بازار است که در آن فرض می‌شود سرمایه‌گذاران توانایی ارزیابی جانبدارانه‌بودن گزارش‌های مدیریت را دارند. فرضیه بازارهای کارا بیان می‌کند همه مشارکت‌کنندگان بازار، انتظارات منطقی و معقولی نسبت به بازده‌های آتی دارند که این موضوع نشان می‌دهد به‌طور میانگین، بازار قادر به ارزیابی جانبدارانه‌بودن گزارش‌هاست. در چنین بازار کارایی، گزارش‌های انحرافی و جانبدارانه (همراه با مدیریت ادراک) به کاهش عملکرد قیمت سهام منجر می‌شود و از آنجا که پاداش مدیران به عملکرد قیمت سهام وابسته است، در چنین بازاری مدیران هیچ‌گونه انگیزه اقتصادی برای اعمال ادراک مدیریتی ندارند [۱۰]؛ بنابراین، کارایی ضعیف بازار سرمایه ایران، اعمال دیدگاه رفتار فرصت‌طلبانه را توجیه می‌کند.

با توجه به اینکه نظریه غالب در خصوص توضیح رفتار مدیران، نظریه نمایندگی است، بیشتر پژوهش‌های پیشین به‌طور گسترده‌ای بر این جنبه از مدیریت ادراک، با عنوان انحراف ادراک استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی درخصوص عملکرد شرکت تأکید داشته‌اند. آنها مدیریت ادراک را پاسخی (واکنشی) به خروجی‌های منفی سازمانی دانسته‌اند. بر این اساس، احتمال داده می‌شود مدیران یکی از دو نوع رفتار زیر را انتخاب کنند [۱۶]:

- (۱) پنهان‌کردن؛ که به دو روش به‌دست می‌آید:
- (۱-الف) مبهم و گیج‌کننده‌کردن نتایج منفی (اخبار بد) با دستکاری اطلاعات کلامی که با استفاده از دو

راهبرد دشوار کردن متن برای خواندن و استفاده از لحن مجاب‌کننده، یا (۱-ب) تأکید بر نتایج مثبت سازمانی (اخبار خوب) با استفاده از چهار راهبرد: تأکید بر لغات مثبت، دستکاری در نحوه ارائه اطلاعات، مقایسه عملکرد با مقایسه شاخص‌هایی که عملکرد مالی را در بهترین وضعیت ممکن به تصویر می‌کشد و انتخاب عدد سودها به صورت انتخاب سودی که (عملیاتی، قبل از مالیات، سود خالص و ...) به بهترین شکل عملکرد مالی جاری را به تصویر می‌کشد [۳۴].

(۲) تخصیص دادن، یک تاکتیک دفاعی که از آن طریق نتایج منفی را از خود دور می‌کنند. تخصیص دادن یک راهبرد مدیریت ادراک است که از روان‌شناسی اجتماعی گرفته شده است و اشاره به رفتارهایی دارد که افراد با استفاده از آن، تصویری را که دیگران از آنها دارند، مدیریت می‌کنند و بدین طریق، اهداف و برنامه‌های خود را برای رسیدن به موفقیت تعیین می‌کنند و نتایج مطلوب را حداکثر و نتایج نامطلوب را حداقل نشان دهند. در زمینه گزارشگری مالی، این تاکتیک برای مدیریت، مستلزم تخصیص دادن نتایج مثبت سازمانی به عوامل درونی و اختصاص دادن نتایج منفی سازمانی به عوامل بیرونی است [۱۶].

بر اساس رویکرد مدیریت سود فرصت‌طلبانه، شرکت‌هایی که اقدام به مدیریت سود می‌کنند، از لحن خوش‌بینانه و شرکت‌هایی که مدیریت سود نمی‌کنند و یا کمتر مدیریت سود دارند، از لحن بدبینانه در گزارشگری مالی استفاده می‌کنند؛ زیرا مدیران تمایل دارند اطلاعات در خصوص عملکرد مثبت شرکت را افشا کنند و موفقیت‌های خود را بیشتر آشکار سازند و در مقابل، اطلاعات مرتبط با عملکرد ضعیف را پنهان کنند.

بیشتر و پیچیده‌تر شدن میزان گزارش‌های توضیحی (یادداشت‌های همراه، گزارش فعالیت هیئت‌مدیره و ...) در سال‌های اخیر، در عین حال که فرصت ارائه اطلاعات مفصل درباره عملکرد و چشم‌انداز آتی شرکت‌ها را فراهم می‌کند تا از آن طریق سودمندی تصمیم‌گیری‌ها را افزایش دهند، زمینه را نیز برای مدیران به منظور اعمال مدیریت ادراک فراهم کرده است. دیویس و برنان [۱۶]، با بررسی گزیده‌ای از گزارش سالانه شرکت انرون درست قبل از ورشکستگی آن، به عبارت‌هایی برخورد کرد که نشان‌دهنده جانبداری مثبت از وضعیت انرون دارد و ثابت می‌کند درباره شرکت انرون، رفتار فرصت‌طلبانه مدیر با هدف انحراف ادراک استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در خصوص دستاوردهای شرکت به جای تلاش برای فراهم آوردن اطلاعات تکمیلی مفید وجود داشته است. شرکت خدمات حرفه‌ای و حسابرسی دلویت^۱ دریافت گزارش‌های شرکت انرون از زمانی که وضعیت مالی شرکت شروع به بدتر شدن کرده بود، به طور فزاینده‌ای مبهم و پیچیده شد. این یافته‌ها نشان می‌دهد انرون تحت شرایطی که اعداد و ارقام حسابداری چیز دیگری را نشان می‌دادند، با استفاده از (لحن زبان گزارشگری مالی) به مدیریت ادراک پرداخته است.

بر اساس آنچه در خصوص دیدگاه‌های مطرح در حوزه انگیزه‌های موارد افشا در گزارش‌های توضیحی مدیران مطرح شد، نمونه‌هایی از دیدگاه رفتار فرصت‌طلبانه در قالب مدیریت ادراک به صورت مدیریت سود و تقلب در حوزه حسابداری وجود دارد. در متون پژوهشی مشاهده می‌شود مدیران انگیزه‌های متفاوتی برای درگیر شدن در مدیریت سود

^۱ Deloitte Consulting

فرصت طلبانه دارند؛ برای مثال، هیلی و والن^۱ و باکر و همکاران^۲ نشان می‌دهند مدیران، سود را برای افزایش پاداش خود مدیریت می‌کنند، در حالی که چانی و لويس^۳ بیان می‌کنند مدیران ممکن است سودها را در راستای افزایش امنیت کاری دستکاری کنند [۲۰]. در این راستا، کوهن و زاروبین نشان می‌دهند مدیران می‌توانند سودها را برای ارسال اطلاعات خصوصی به سرمایه‌گذاران هموار کنند [۱۴].

مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی

در ادبیات حسابداری دو نوع مدیریت سود شناسایی شده است؛ مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی. مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی به این معناست که مدیران سود را از طریق ارقام تعهدی دستکاری می‌کنند که در آن درآمدها یا هزینه‌ها به محض تحقق یا تحمل شناسایی می‌شوند. مدیریت سود تعهدی در روند تعهدی رخ می‌دهد و شیوه‌های حسابداری انتخاب شده و برآوردهای حسابداری به صورت عمد، سود گزارش شده را تحریف می‌کنند؛ بنابراین، مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی به صورت مستقیم بر جریان‌های نقدی تأثیر نمی‌گذارد و اثر آن بر سود در دوره‌های بعدی حسابداری معکوس می‌شود. مدیریت سود واقعی برای گمراه کردن استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری از طریق تغییر زمان‌بندی یا تغییر ساختار عملیات عادی مانند کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه، مخارج سرمایه‌ای و افزایش در تخفیفات قیمتی و غیره انجام می‌شود. مدیریت سود

واقعی تأثیر مستقیمی بر جریان‌های نقدی دارد و برای عملیات آتی زیان‌بار است [۱۲]. با این حال، به نظر می‌رسد آشکارشدن مدیریت واقعی سود نسبت به مدیریت سود تعهدی سخت‌تر باشد؛ زیرا مدیریت واقعی سود آسان‌تر به عنوان فعالیت‌های عادی پنهان می‌شود. هزینه‌های مربوط به مدیریت ارقام تعهدی ناشی از نظارت و دادخواهی است، در حالی که هزینه‌های مربوط به مدیریت سود واقعی انحراف از عملیات مطلوب کسب و کار است و به عواقب منفی اقتصادی منجر می‌شود [۲۱]. تفاوت اساسی بین مدیریت سود ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی در زمان‌بندی مدیریت سود است. برای برآورده ساختن اهداف مرتبط با سود، مدیران می‌توانند تا پایان سال منتظر بمانند و از ارقام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود گزارش شده استفاده کنند. این شیوه این ریسک را در بر دارد که مقدار سودی که برای دستکاری مورد نیاز است بزرگتر از ارقام تعهدی اختیاری موجود باشد؛ زیرا اختیار موجود در رابطه با ارقام تعهدی توسط اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری محدود شده است [۱۱]. در مقایسه، دستکاری فعالیت‌های واقعی کمتر در معرض این محدودیت قرار می‌گیرند. مزیت دیگر تغییر فعالیت‌های واقعی در جهت دستکاری سود، این است که حساب‌رسان و قانون‌گذاران کمتر متوجه چنین رفتاری می‌شوند. از تفاوت‌های دیگر این دو شکل مدیریت سود آنکه مدیریت ارقام تعهدی در سال وقوع، نسبتاً مشخص است؛ اما دستکاری فعالیت‌های واقعی به آسانی قابل تشخیص نیست. باید توجه داشت دستکاری فعالیت‌های واقعی، وسیله تغییر آرایش حساب‌ها نیست. مدیران در این روش، زمان انجام عملیات، نحوه تخصیص منابع و یا زمان اجرای طرح‌های

¹. Healy & Wahlen

². Baker

³. Chaney & Lewis

سرمایه‌گذاری را تغییر می‌دهند [۱۴].

با توجه به آنچه در خصوص روش‌های مختلف مدیریت سود با هدف اعمال مدیریت ادراک مطرح شد و نیز با تأکید بر این موضوع که شرکت‌ها به شکل‌های زیرکانه‌تری نیز می‌توانند ادراک افراد برون‌سازمانی را نه تنها صرفاً از طریق دستکاری محتوای گزارش‌ها، با تغییر لحن گزارشگری مالی نسبت به دستاوردهای شرکت منحرف کنند [۱۶]، می‌توان انتظار داشت در بازارهای سرمایه با کارایی ضعیف، مدیران از رفتار فرصت‌طلبانه در جهت تأمین اهداف خود استفاده و برای نشان‌دادن تصویری مطلوب از عملکرد شرکت، از لحن گزارشگری خوش‌بینانه استفاده کنند و از این طریق توجه سرمایه‌گذاران را به موضوعات دیگری معطوف کند که هدف وی را تأمین می‌کند. همچنین، با توجه به مبانی نظری مطرح در حوزه مدیریت سود که روش مدیریت سود واقعی را جایگزینی برای مدیریت اقلام تعهدی می‌داند، در شرایطی که میزان استفاده از آن با کمک معیارهای حسابداری و عوامل نظارتی و حقوقی محدود شده است؛ از این رو، می‌توان انتظار داشت لحن گزارشگری مالی تحت تأثیر مدیریت واقعی سود نیز قرار گیرد.

لحن گزارشگری مالی

لحن با کمک نسبت واژه‌های مثبت و منفی مشخص می‌شود که در گزارش‌های مالی سالانه موجود است و می‌تواند شاخصی برای تغییر سطح خوش‌بینی یا بدبینی افشای گزارش باشد؛ همچنین، این امر می‌تواند استدلالی در خصوص انتظار مدیران از بحث درباره تغییرات در گزارش سالانه کنونی درباره آمار و ارقام مهم مالی و حسابداری نسبت به

سال‌های گذشته باشد؛ مانند تغییرات در هزینه‌های فروش، نقدینگی، محصولات و بازارهای جدید و غیره، که به سهم خود، به تغییرات در لحن زبان منجر می‌شود [۲۵]. بر همین اساس، داوینس و تاماسوییت [۱۵] نشان دادند مدیران در خصوص سودهای اقتصادی تمایل دارند به صورت راهبردی رفتار و بیشتر از لحن زبان خوش‌بینانه و کمتر از لحن زبان بدبینانه استفاده کنند. آنها استدلال کردند لحن گزارشگری تحت تأثیر عملکرد مالی جاری و آتی، الزامات قراردادی وابسته به قیمت سهام، الزامات قانونی و ملاحظات زمان‌بندی قرار می‌گیرد؛ بنابراین، محدودیت مدیران در خصوص انعطاف‌پذیر بودن در انتخاب رویه‌های حسابداری برای دستیابی به اهداف مدیریتی، به افشاهای بدبینانه منجر می‌شود. استفاده از لحن بدبینانه، دلالت بر این موضوع دارد مدیران با استفاده از لحن بدبینانه، اطلاعات مربوط تر و آینده‌نگرتری در خصوص آنچه در حال حاضر در گزارش‌های سالانه گزارش شده، افشا می‌کنند. به عبارتی، بیان مشکلات و واقعیت‌های شرکت در گزارش‌های هیئت‌مدیره در قالب استفاده از لحن بدبینانه، زمانی اتفاق می‌افتد که مدیر، دستکاری در اطلاعات نداشته باشد و به بیان حقایق از وضعیت عملکرد شرکت بپردازد. لحن بدبینانه گزارشگری مالی از قابلیت اتکا برخوردار بوده است و بدون سوگیری خاصی بیان می‌شود. لازم به ذکر است در پژوهش‌های یاتریدیس [۲۵] و تتلاک و همکاران [۳۵] نیز از لحن بدبینانه استفاده شده است؛ از این رو، با توجه به مطالب ذکر شده، این پژوهش تأثیر مدیریت سود بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی را بررسی می‌کند؛ بنابراین، با توجه به مبانی نظری مطرح شده، انتظار می‌رود با کاهش مدیریت سود اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی، لحن بدبینانه

گزارش افزایش یابد. پس به طور کلی، پژوهش حاضر کمک می‌کند درک افراد از انگیزه‌ها و تأثیرات استفاده از اطلاعات کیفی، مانند زبان گزارشگری در گزارش‌های سالانه وسیع‌تر شود و همچنین، نشان دهد لحن گزارش که تحت تأثیر انتخاب راهبردی و استفاده از افشای کیفی قرار می‌گیرد، رابطه تنگاتنگی با عملکرد شرکت دارد [۳۵].

یاتریدیس [۲۵] در مقاله‌ای به بررسی این مسئله پرداخت که آیا منفی‌نگری در زبان گزارشگری مالی در صورت‌های مالی، موجب محدودشدن فرصت‌طلبی مدیران می‌شود. نمونه آماری وی متشکل از ۴۰۵ شرکت فعال در بورس لندن بود که اطلاعات آماری آنها برای دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ در قالب شیوه داده‌های پانلی بررسی شد. نتایج پژوهش وی نشان داد میزان استفاده از زبان منفی‌نگرانه در گزارش‌های شرکت‌هایی بیشتر است که دستکاری سود آنها پایین‌تر و اهرم بالاتری دارند. ناکاشیما و زیبرت [۳۰] به بررسی ارتباط بین لحن مدیران اجرایی و تغییرات در مدیریت سود و کیفیت سود شرکت‌های بورسی در ژاپن پرداختند. آنها پرسشنامه‌ها را به ۳۶۰۵ شرکت ژاپنی فعال در بورس اوراق بهادار توکیو ارسال کردند که از بین آنها ۲۱۲ شرکت به پرسشنامه‌ها جواب دادند. آنها برای محاسبه مدیریت سود از الگوی جونز و برای محاسبه لحن از نرم‌افزار دیکشن^۱ برای تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد ارتباط معناداری بین لحن بالای مدیران اجرایی و مدیریت سود و کیفیت سود وجود دارد. ریلی و همکاران [۳۲] به بررسی الگوهای استفاده از زبان در مبانی حسابداری و اثر آنها بر قضاوت و تصمیم‌گیری

در زمینه سرمایه‌گذاری پرداختند. برای بررسی این رابطه از روش تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده و اطلاعات شرکتی به صورت داده‌های سه‌ماهه بررسی شد. نتایج نشان داد که الگوهای استفاده از زبان منفی در مبانی حسابداری موجب کاهش سرمایه‌گذاری و برعکس، الگوهای استفاده از زبان مثبت در گزارشگری مالی، موجب ارتقای عملکرد سرمایه‌گذاران می‌شود. ریلی [۳۱] در مطالعه‌ای به بررسی نقش زبان مورد استفاده مدیران در انتشار اطلاعات مربوط به سودهای شرکتی پرداخت. نمونه مورد بررسی نیز مشتمل بر ۵۰۰ شرکت تجاری بود که طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ در قالب روش تحلیل واریانس (ANOVA) بررسی شد. نتایج نشان داد درصد مدیرانی که از اطلاعات مثبت استفاده می‌کنند، کمی بیشتر از درصد مدیرانی است که از اطلاعات منفی استفاده می‌کنند. با توجه به تمرکز سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مالی، مدیران با دستکاری اطلاعات زبان مورد استفاده در گزارش‌ها، تأثیر چشمگیری در تصمیم‌گیری آنها ایجاد و میزان سود شرکتی را دستخوش تغییرات چشمگیری می‌کنند. تتلاک و همکاران [۳۵] به ارزیابی این امر پرداختند که چگونه یک معیار کمی ساده مربوط به زبان برای پیش‌بینی عایدات حسابداری یک شرکت و بازده‌های سهام آن استفاده می‌شود. آنها از واژگان منفی در طبقه‌بندی مربوط به دیکشنری هاروارد (-IV 4) و برنامه تحلیل محتوا برای اندازه‌گیری اطلاعات کیفی استفاده کردند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که: (۱) کسری از واژگان منفی استفاده شده در اخبار منتشره خاص شرکت، عایدات پایینی را برای آن پیش‌بینی می‌کنند، (۲) قیمت‌های سهام شرکت نیز واکنشی کمتر از حد مورد انتظار به

¹. Diction 5

اطلاعات گنجانیده شده در قالب واژگان منفی نشان می‌دهند و ۳) قابلیت پیش‌بینی سودها و بازده از طریق واژگان منفی، در مواردی قوی‌تر است که بر عوامل بنیادی شرکت متمرکز هستند.

صفری گرایلی و همکاران [۵] به بررسی مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی پرداختند. بدین منظور، برای سنجش خوانایی گزارشگری مالی، از دو شاخص فوگ و شاخص طول متن و همچنین، برای اندازه‌گیری مدیریت سود، از الگوی کازنیک استفاده کردند. نمونه آماری متشکل از ۹۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بوده و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از الگوی رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر شیوه داده‌های تلفیقی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه منفی بین مدیریت سود با خوانایی گزارشگری مالی شرکت‌هاست. به عبارتی، اعمال مدیریت سود، موجب کاهش خوانایی گزارشگری مالی می‌شود. نظری و همکاران [۸] به بررسی تأثیر ساخت زبان گزارش‌های مالی بر میزان تمایل به سرمایه‌گذاری پرداختند. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویانی است که دارای دانش پایه‌ای از حسابداری مالی و سرمایه‌گذاری هستند. داده‌ها با استفاده از روش آزمایشگاهی و در قالب یک طرح آزمایشی ۲×۴ استفاده شد. براساس نتایج پژوهش، به‌طور کلی ساخت زبان به‌تنهایی تأثیری بر میزان تمایل به سرمایه‌گذاری ندارد و با افزایش فاصله روانی، تأثیر ساخت زبان بر تمایل به سرمایه‌گذاری تغییر نمی‌کند. مهرانی و همکاران [۷] در پژوهشی به آزمون تأثیر رویکردهای قضاوتی زبان در کاهش فاصله انتظارات حسابرسی پرداختند. روش پژوهش مورد استفاده آنها به‌صورت طرح آزمایش تجربی بوده و با استفاده از نرم‌افزار ویژه طراحی شده

مبتنی بر وب اجرا شده است. نتایج به‌دست آمده به‌صورت قوی، از تأثیر افزایش میزان صراحت در گزارش حسابرسی در کاهش فاصله انتظارات حسابرسی حمایت می‌کند و به‌نظر می‌رسد که در محیط‌های واقعی نیز می‌توان با پیروی و تأکید بر این رویکرد اقدام به کاهش این فاصله کرد. رهنمای رودپشتی و همکاران [۴] در مقاله‌ای به ارزیابی تأثیر رویکردهای قضاوتی و شناختی زبان در گزارش‌های توضیحی حسابداری پرداختند. آنها اقدام به تهیه یک پرسشنامه فرآزمایشی کردند و به این نتایج دست یافتند: ۱) عینی بودن زبان شرط اصلی برای صراحت آن نیست، ۲) افزایش صراحت زبان تأثیر معناداری بر رفتارهای قضاوتی و شناختی سرمایه‌گذاران دارد؛ ۳) در صورتی که اطلاعات عینی به‌صورت غیرصریح ارائه شده باشد، تأثیر معناداری بر قضاوت‌های سرمایه‌گذاران نخواهد داشت.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

۱. هرچه میزان مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی کمتر باشد، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی بیشتر خواهد بود.
۲. هرچه میزان مدیریت سود با استفاده از اقلام واقعی کمتر باشد، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی بیشتر خواهد بود.

روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش که بررسی تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی است، روش پژوهش حاضر از منظر نتیجه اجرا، از نوع کاربردی؛ از منظر فرایند اجرا (یا نوع داده‌ها)، از نوع کمی است؛ زیرا

نرم‌افزار Excel، تجزیه و تحلیل و برآورد الگوها و آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار eviews8 انجام شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ محدود می‌شود. نمونه آماری باید از ویژگی‌ها و شرایط زیر برخوردار باشد:

- ۱- قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 - ۲- پایان سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند ماه بوده و تغییر سال مالی نداشته باشد.
 - ۳- جزء بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشند.
 - ۴- اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها در قلمرو زمانی یادشده در دسترس باشد.
- پس از اعمال شرایط یاد شده، تعداد ۱۱۹ شرکت شامل ۸۳۳ سال- شرکت، نمونه آماری برای آزمون پژوهش انتخاب شده‌اند.

روش جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز برای بیان کلیات پژوهش به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. داده‌های کمی مورد نیاز این پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و همچنین، گزارش‌های هیئت‌مدیره از سایت کدال استخراج شده‌اند.

شامل گردآوری نظام‌مند داده‌های موجود درخصوص متغیرها از شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران است. از طرف دیگر، در این پژوهش که از نوع کمی است، از نظریه‌های مطرح و موجود در رشته حسابداری و مالی برای چارچوب نظری و رابطه بین متغیرها استفاده شده است. از منظر منطق اجرا (یا نوع استدلال)، از نوع قیاسی-استقرایی است؛ زیرا در این پژوهش ابتدا براساس نظریه‌های موجود در خصوص تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی و بیان اهداف آن نظریه‌ها، تأثیر مدیریت سود و انواع آن بر لحن گزارشگری مالی در راستای اهداف این نظریه‌ها تشریح شده (رویکرد قیاسی)، سپس با گردآوری داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان داده شده است که مدیریت سود چه تأثیری بر لحن گزارشگری مالی دارد (رویکرد استقرایی)؛ از منظر بعد زمانی، از نوع طولی است؛ زیرا داده‌های مورد مطالعه طی زمان (چندین سال)، گردآوری و تحلیل شده است و این پژوهش طولی از نوع گذشته‌نگر (پس‌رویدادی) است؛ زیرا پژوهش گذشته‌نگر در زمان حال انجام می‌شود؛ اما از اطلاعات و داده‌های سال‌های قبل برای بررسی ارتباط بین متغیرها استفاده می‌کند. از نظر هدف اجرا، پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی) است؛ زیرا پژوهش‌های تحلیلی لزوماً با هدف آزمون فرضیه انجام می‌شوند و معمولاً از نوع کمی هستند [۲]. در این پژوهش با توجه به نوع داده‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها، از صورت‌های مالی حسابرسی‌شده شرکت‌ها در سایت کدال^۱ استخراج و پس از آماده‌سازی داده‌ها در

^۱. www.Codal.ir

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش، لحن گزارشگری مالی است. لحن متغیری است که شاخصی برای زبان گزارشگری مالی در گزارش سالانه است. تجزیه و تحلیل‌ها نیازمند استفاده از ابزار لحن خوش بینانه و بدبینانه در نمونه‌هاست. برای به دست آوردن سطوح نظام‌مند لحن خوش بینانه و بدبینانه، از واژه‌هایی استفاده شده است که به طور گسترده در تجزیه و تحلیل گفتمان روایت از جمله، سخنرانی‌های سیاست‌مداران، سخنرانی‌های سیاست‌گذاران، گزارش‌های سالانه به سهامداران و دیگر ارتباطات کسب و کار کاربرد دارد. تحلیل‌ها با فهرستی از واژه‌های موجود ساخته شده برای تجزیه و تحلیل متن و محتوا انجام شده است. این فهرست از واژه‌ها مبتنی بر نظریه زبانی است که در پژوهش‌های دانشگاهی در زمینه‌های کاربردی به طور گسترده‌تر استفاده می‌شود [۱۷]. سه فهرست از واژه‌ها به عنوان

«بدبینانه»، برچسب «سرزنش»، «سختی» و «انکار» و سه فهرست از واژه‌ها به عنوان «خوش بینانه»، برچسب «با ارزش»، «رضایت مندی» و «فکر خوب»، ملاک تشخیص لحن گزارشگری مالی در نظر گرفته شده که در نگاره (۱) و نگاره (۲) ذکر شده است. واژه‌های به کار رفته در تشخیص لحن خوش بینانه و بدبینانه، ترجمه‌ای از فهرست واژه‌های به کار رفته در نرم‌افزار تجزیه و تحلیل متن و محتوای دیکشن ۵ است که اغلب در گفتمان معاصر آمریکا استفاده می‌شود [۱۷]. با توجه به اینکه واژه‌های به کار رفته در تشخیص لحن بدبینانه و خوش بینانه، برای شناسایی جنبه‌های ظریف زبان طراحی شده است؛ بنابراین، با نهایت دقت و با بهره‌گیری از استادان زبان، اقدام به ترجمه این واژه‌ها شد. لازم به ذکر است پس از بررسی گزارش‌های توضیحی حسابداری از جمله گزارش‌های سالانه هیئت‌مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مشاهده شد، این واژه‌ها به طور گسترده‌ای استفاده شده‌اند.

نگاره ۱- فهرست واژه‌های مرتبط با لحن بدبینانه

فهرست واژه‌های سرزنش	
تعریف	واژه‌های نمونه
اصطلاحاتی که مشخص‌کننده عدم تناسب اجتماعی و شر هستند. صفاتی که توصیف‌کننده موقعیت‌های ناگوار و نوسانات غیرمنتظره هستند که شامل سیاه‌نمایی‌های آشکار نیز می‌شود.	مشکل‌دار (ایراد)، آینده تاریک، بد، بی‌دقتی، گران، سخت (پیچیده)، دشمن، بی‌ثبات (ناپایدار)، ناراحت‌کننده
فهرست واژه‌های مرتبط با سختی	
تعریف	واژه‌های نمونه
شامل بلایای طبیعی، اقدامات خصمانه و رفتارهای انسانی توییخی و سرزنش‌بار و همچنین، نتایج ناخوشایند سیاسی و نیز ترس طبیعی انسان و عدم صلاحیت نیروی انسانی است.	سوء استفاده، هشدار، نبرد، تضاد (عدم همخوانی)، افسرده، ناامیدکننده، دلسرد، ورشکسته شدن، ترس، سختی، مشکل، پشیمانی (ناامیدی)، تنزل، تهدید، متأسفانه، ضعف (نقص)
فهرست واژه‌های مرتبط با انکار، عدم پذیرش و رد کردن	
تعریف	واژه‌های نمونه
واژه‌هایی با کارکرد منفی و واژه‌هایی که مشخص‌کننده مجموعه‌های تهی (پوچ) هستند.	نیستند، نمی‌توان، انجام نداد، نباید، انجام ندادن، نه، هیچ (صفر)

نگاره ۲- فهرست واژه‌های مرتبط با لحن خوش‌بینانه

فهرست واژه‌های بارزش (تمجید)	
تعریف	واژه‌های نمونه
تأیید برخی از افراد، گروه‌ها و یا نهاد انتزاعی که شامل واژه‌های مجزاکننده کیفیت‌های اجتماعی، کیفیت فیزیکی، کیفیت فکری، کیفیت کارآفرینی و کیفیت اخلاقی مهم است. همه اصطلاحات در این فرهنگ لغت، صفت هستند.	بهترین، بهتر، توانا، مطلوب، خوب، عالی، مهم، مثبت، سودآور، قوی، موفق
فهرست واژه‌های رضایت‌مندی	
تعریف	واژه‌های نمونه
واژه‌های مرتبط با حالت‌های مثبت اثربخش (عاطفی)، با لحظه‌های لذت‌آور و تفریحات لذت‌بخش یا با واژه‌های مرتبط با موفقیت. تمامی واژه‌ها در حیطه پرورشی هستند.	تحسین، جشن گرفتن، راحت، اعتماد به نفس، خوشحال، لذت‌بردن، شور و شوق، هیجان‌زده، خوشحال، راضی
فهرست واژه‌های فکر خوب	
تعریف	واژه‌های نمونه
فضایی که شایسته احترام جهانی هستند، بیشتر اصطلاحاتی هستند که مجزاکننده کیفیت‌های اخلاقی مطلوب و همین‌طور خصوصیت‌های شخصی مؤثر. ایده‌آل‌های اجتماعی و سیاسی نیز شامل این واژه‌ها هستند.	تعهد، فداکاری، بهبود، وفاداری، بهره‌وری، پیشرفت، کیفیت

لحن بدبینانه، اطلاعات مربوط تر و آینده‌نگرتری در گزارش‌های سالانه افشا می‌کنند، از لحن بدبینانه در الگوی آزمون فرضیه‌ها استفاده شد.

متغیر مستقل

در این پژوهش مدیریت سود، متغیر مستقل است. به طور کلی، دو نوع مدیریت سود وجود دارد؛ مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی. در این پژوهش برای سنجش مدیریت سود تعهدی از سه الگوی جونز، تعدیل‌شده جونز و کازنیک استفاده شده است. دلیل انتخاب الگوهای فوق این بوده است که براساس مطالعات برخی پژوهشگران [۳] الگوی جونز پر کاربردترین الگو و از طرفی الگوی تعدیل‌شده جونز قدرتمندترین الگو برای توصیف و پیش‌بینی مدیریت سود تصنعی و الگوی کازنیک به‌عنوان الگوی بهینه برای محیط ایران معرفی شده

با توجه به نبودن نرم‌افزاری که بتواند متون فارسی به فرمت PDF را تحلیل و تعداد و نوع کلمات مورد نیاز را استخراج کند، به مطالعه گزارش‌های سالانه هیئت‌مدیره ۸۳۳ سال - شرکت اقدام و با شمارش دستی، تعداد واژه‌های بدبینانه، خوش‌بینانه و کل واژه‌های هر گزارش استخراج شد. سپس تعداد واژه‌های بدبینانه و خوش‌بینانه در هر گزارش به‌طور جداگانه بر تعداد کل واژه‌ها تقسیم شد و نسبت‌هایی به‌دست آمد. طبق روش فلدمن و همکاران [۲۰]، داویس و تاماسویت [۱۵] در گزارش‌های توضیحی حسابداری، هرگاه نسبت واژه‌های بدبینانه بر تعداد کل واژه‌ها، بیشتر از نسبت واژه‌های خوش‌بینانه بر کل واژه‌ها باشد، لحن گزارش، بدبینانه خواهد بود و برعکس. با توجه به اینکه لحن بدبینانه گزارشگری مالی، از قابلیت اتکا برخوردار است و بدون سوگیری خاصی بیان می‌شود و همچنین، مدیران با استفاده از

$$TACC = (\Delta CA - \Delta Cash) - (\Delta CL - \Delta STD) \quad \text{رابطه (۴)}$$

که در آن:

$TACC$: بیانگر کل ارقام تعهدی

ΔCA : بیانگر تغییرات دارایی‌های جاری در سال جاری نسبت به سال قبل

$\Delta Cash$: بیانگر تغییرات مانده وجه نقد در سال جاری نسبت به سال قبل

ΔCL : بیانگر تغییرات بدهیهای جاری در سال جاری نسبت به سال قبل

ΔSTD : بیانگر تغییرات بخش جاری بدهیهای بلندمدت در سال جاری نسبت به سال قبل

در الگوی جونز، مقادیر خطای حاصل از برآورد الگو به معنی ارقام تعهدی اختیاری، بیانگر میزان اعمال مدیریت سود است.

الگوی تعدیل‌شده جونز: الگوی جونز را دچو، اسلون و سوئینی [۲] با اضافه‌شدن یک متغیر اصلاح و به‌صورت رابطه (۵) ارائه کردند:

$$TACC_t = \beta_0 + \beta_1 1 / TA_{t-1} + \beta_2 (\Delta REV_t - \Delta REC_t) + \beta_3 PPE_t + \varepsilon \quad \text{رابطه (۵)}$$

که در آن:

ΔREC_t : نشان‌دهنده تغییرات حساب‌ها و اسناد

دریافتنی سال جاری نسبت به سال قبل

الگوی کازنیک [۲۱]: الگوی کازنیک بر مبنای

الگوی جونز، به‌صورت (۶) ارائه شد:

$$TACC_t = \beta_0 + \beta_1 1 / TA_{t-1} + \beta_2 (\Delta REV_t - \Delta REC_t) + \beta_3 PPE_t + \beta_4 \Delta CFO_t \varepsilon \quad \text{رابطه (۶)}$$

که در آن:

ΔCFO_t : نشان‌دهنده تغییرات در جریان نقد عملیاتی

در سال جاری نسبت به سال قبل

کازنیک برای توضیح رابطه منفی ارقام تعهدی و

جریان‌های نقدی، متغیر تغییرات جریان نقد عملیاتی

است [۹]. مدیریت سود واقعی نیز با استفاده از الگوی روی چودهری [۳۳] آزمون شده است.

الگوی جونز: الگوی جونز یکی از الگوهای پایه‌ای پژوهش‌های مربوط به کشف مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری است که در سال ۱۹۹۱ ارائه شد. الگوی مزبور به‌صورت رابطه (۱) مطرح شد:

$$TACC_t / A_{t-1} = \beta_0 + \beta_1 1 / A_{t-1} + \beta_2 \Delta REV_t / A_{t-1} + \beta_3 PPE_t / A_{t-1} + \varepsilon \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن:

$TACC_t$: نماینده کل ارقام تعهدی

$1 / A_{t-1}$: بیانگر تقسیم عدد ۱ بر جمع کل دارایی‌های ابتدای سال

ΔREV_t : تغییرات کل درآمد فروش سال جاری نسبت به سال قبل

PPE_t : بیانگر جمع دارایی‌های ثابت (اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات) به‌صورت ناخالص (قبل از کسر استهلاک انباشته)

ε : نشان‌دهنده مقادیر خطای الگو

در واقع جونز معتقد بود ارقام تعهدی غیراختیاری

NDA_t را می‌توان به‌صورت رابطه (۲) نشان داد:

$$NDA_t = \beta_1 1 / TA_{t-1} + \beta_2 \Delta REV_t / TA_{t-1} + \beta_3 PPE_t / TA_{t-1} \quad \text{رابطه (۲)}$$

از سوی دیگر ارقام تعهدی اختیاری DA_t برابر

است با:

$$DA_t = TACC_t - NDA_t = \varepsilon \quad \text{رابطه (۳)}$$

بنابراین ارقام تعهدی اختیاری DA_t همان مقادیر

خطای الگو (ε) خواهند بود. مقادیر خطا یا

باقی‌مانده‌های حاصل از تخمین الگو بیانگر ارقام

تعهدی غیرعادی است که همان ارقام تعهدی

اختیاری است. جونز ارقام تعهدی کل را به روش

ترازنامه‌ای با رابطه (۴) محاسبه کرده است.

را به عنوان یک متغیرکنترلی به الگوی تعدیل شده جونز اضافه کرد.

مدیریت سود واقعی: برای به دست آوردن مدیریت سود واقعی، روش روی چودهری [۳۳] به کار گرفته شده است. در این پژوهش الگوهای مربوط به سطح غیرعادی هزینه‌های تولید (شاخص مستقیم)، هزینه‌های اختیاری (شاخص معکوس)، جریان‌های نقدی عملیاتی (شاخص معکوس) محاسبه و سپس از سه الگوی زیر برای محاسبه مدیریت واقعی سود استفاده می‌شود. با پیروی از پژوهش روی چودهری [۳۳] رابطه (۷) برآورد می‌شود:

$$\text{رابطه (۷)} \quad \text{ProdCost}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} = K1/\text{Asset}_{i,t-1} + K2 * \text{Revi}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} + K3 * \Delta \text{Revi}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} + K4 * \Delta \text{Revi}_{i,t-1}/\text{Asset}_{i,t-1} + \epsilon_{i,t}$$

که در آن:

$\text{ProdCost}_{i,t}$: هزینه‌های تولید که حاصل جمع بهای تمام شده کالای فروخته و تغییر در موجودی کالا $\text{COGS}_{i,t}$: بهای تمام شده کالای فروخته $\Delta \text{Invi}_{i,t}$: اختلاف موجودی اول و پایان دوره $\text{Asset}_{i,t-1}$: کل دارایی‌های شرکت در پایان دوره $t-1$ $\text{Revi}_{i,t}$: فروش‌های خالص (در آمد)

$\Delta \text{Revi}_{i,t}$: فروش‌های سال t منهای فروش‌های سال $t-1$

با پیروی از الگوی روی چودهری [۳۳] در این پژوهش سطح عادی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری با به کارگیری رابطه (۸) برآورد می‌شود:

$$\text{رابطه (۸)} \quad \text{DisExpi}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} = K1 * 1/\text{Asset}_{i,t-1} + K2 * \text{Revi}_{i,t-1}/\text{Asset}_{i,t-1} + \epsilon_{i,t}$$

سطح عادی جریان‌های نقدی عملیاتی با

بکارگیری رابطه (۹) برآورد می‌شود:

$$\text{رابطه (۹)} \quad \text{CFO}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} = K1 * 1/\text{Asset}_{i,t-1} + K2 * \text{Revi}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} + K3 * \Delta \text{Revi}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t-1} + \epsilon_{i,t}$$

برای مشخص شدن دستکاری فعالیت‌های واقعی،

سطوح غیرعادی آنها منظور می‌شود. به این صورت که در الگوهای بالا ابتدا برای هر سال صنعت یک رگرسیون تشکیل داده می‌شود و ضرایب رگرسیونی حاصل در همان الگو قرار داده شده و مقدار رابطه محاسبه می‌شود که این مقدار برآوردی، سطح عادی را برای هر سال شرکت در آن صنعت نشان می‌دهد. سپس در انتها از مابه‌التفاوت مقدار واقعی و مقدار برآوردی (سطح عادی) سطح غیرعادی به دست می‌آید که همان پسماند (خطای) الگوست.

مطابق پژوهش کوهن و زاروین [۱۴] از یک معیار جامع نیز برای مدیریت واقعی سود استفاده شده است. نحوه محاسبه آن به شرح رابطه (۱۰) است:

$$\text{رابطه (۱۰)} \quad \text{REMit} = -\text{AbnCFOit} + \text{AbnProdCostit} - \text{AbnDisExpit}$$

که در آن:

AbnCFOit : سطح غیرعادی جریان‌های نقد عملیاتی AbnProdCostit : سطح غیرعادی هزینه‌های تولید AbnDisExpit : سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری

متغیرهای کنترل

با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهش و طبق مطالعه یاتریدیس [۲۵] از متغیرهای کنترلی به این شرح استفاده شد: اندازه شرکت ($\ln A_{i,t}$) از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت، جریان نقد عملیاتی ($\text{OCF}_{i,t}$) از طریق نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی بر کل دارایی، نسبت کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام ($\text{TLFSFU}_{i,t}$)، فرصت‌های رشد ($\text{MBV}_{i,t}$) از طریق نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، شاخص تقسیم سود نقدی ($\text{DIV}_{i,t}$) از تقسیم کل سود پرداختی بر تعداد سهام به دست می‌آید. شاخص فروش صادراتی ($\text{FORREV}_{i,t}$) شرکت‌هایی که فروش (درآمد)

$$\begin{aligned} \text{TONE}_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{AEM}_{i,t} + \alpha_2 \ln \text{A}_{i,t} \\ & + \alpha_3 \text{OCF}_{i,t} \\ & + \alpha_4 \text{TLSFU}_{i,t} \\ & + \alpha_5 \text{MBV}_{i,t} + \alpha_6 \text{DIV}_{i,t} \\ & + \alpha_7 \text{FORREV}_{i,t} \\ & + \alpha_8 \text{AGE}_{i,t} \\ & + \alpha_9 Q * \text{FCF}_{i,t} \\ & + \alpha_{10} \text{R}_{i,t} + \alpha_{11} \text{CFD}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{رابطه (۱۱)}$$

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش، از رابطه (۱۲) به شرح زیر استفاده شده است که در آن، مدیریت سود واقعی مبتنی بر الگوی روی چوده‌ری است.

$$\begin{aligned} \text{TONE}_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{REM}_{i,t} + \alpha_2 \ln \text{A}_{i,t} \\ & + \alpha_3 \text{OCF}_{i,t} \\ & + \alpha_4 \text{TLSFU}_{i,t} \\ & + \alpha_5 \text{MBV}_{i,t} + \alpha_6 \text{DIV}_{i,t} \\ & + \alpha_7 \text{FORREV}_{i,t} \\ & + \alpha_8 \text{AGE}_{i,t} \\ & + \alpha_9 Q * \text{FCF}_{i,t} \\ & + \alpha_{10} \text{R}_{i,t} + \alpha_{11} \text{CFD}_{i,t} \\ & + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{رابطه (۱۲)}$$

که در آن:

$\text{TONE}_{i,t}$: متغیری که شاخصی برای لحن

گزارشگری مالی در گزارش سالانه می‌باشد.

$\text{AEM}_{i,t}$: نشان‌دهنده مدیریت سود تعهدی

$\text{REM}_{i,t}$: نشان‌دهنده مدیریت سود واقعی

$(\ln \text{A}_{i,t})$: اندازه شرکت که از لگاریتم طبیعی کل

دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.

$(\text{OCF}_{i,t})$: جریان نقد عملیاتی

$(\text{TLSFU}_{i,t})$: نسبت کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان

سهام

$(\text{MBV}_{i,t})$: فرصت‌های رشد

$(\text{DIV}_{i,t})$: شاخص تقسیم سود نقدی

$(\text{FORREV}_{i,t})$: شاخص فروش صادراتی

$(\text{AGE}_{i,t})$: سن شرکت

$(Q * \text{FCF}_{i,t})$: حاصل ضرب کیوتوبین در جریان نقد

آزاد

$(\text{R}_{i,t})$: بازده سهام

$(\text{CFD}_{i,t})$: شاخص جریان نقد عملیاتی

صادراتی دارند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود و شاخص جریان نقد عملیاتی $(\text{CFD}_{i,t})$ از طریق تقسیم جریان‌های نقد عملیاتی در کل دارایی‌ها به دست می‌آید که به صورت صفر و یک منظور شده است. سن شرکت $(\text{AGE}_{i,t})$ از طریق سال آخری که شرکت در دوره پژوهش در بورس حضور داشته، منهای سال ورود شرکت به بورس، هزینه نمایندگی $(Q * \text{FCF}_{i,t})$ از طریق حاصل ضرب کیوتوبین در جریان نقد آزاد به دست می‌آید، بازده $(\text{R}_{i,t})$ که همان بازده سالانه سهام است. داویس و تاماسویت [۱۵] دریافتند شرکت‌های با رشد بالا، زبان کمتر بدبینانه‌ای به کار می‌برند. نسبت زبان بدبینانه برای شرکت‌های با اهرم بالا، بیشتر است. شرکت‌های دارای سطوح بالای بدبینی، هزینه‌های نمایندگی پایینی از خود نشان می‌دهند. شرکت‌های دارای جریان نقدینگی، شاخص تقسیم سود نقدی و شاخص جریان نقد عملیاتی پایین، سطوح بالایی از بدبینی را نشان می‌دهند. هر چقدر بازده آتی دارایی‌ها پایین باشد، لحن بدبینانه‌تر خواهد بود. هر چقدر اندازه شرکت بزرگ باشد، لحن بدبینانه‌تر خواهد بود. شاخص فروش صادراتی و عمر شرکت با لحن بدبینانه ارتباط مستقیم دارد.

الگوهای آزمون فرضیه‌های پژوهش

با پیروی از مطالعه یاتریدیس [۲۵] به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش، از رابطه (۱۱) استفاده شده است. در این پژوهش، مدیریت سود تعهدی با استفاده از سه الگوی جونز، تعدیل‌شده جونز و کازنیک آزمون شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نگاره ۳- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
لحن	۸۳۳	۰/۰۲۵	۰/۰۲۱	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۱۸
مدیریت سود (الگوی جونز)	۸۳۳	۰/۰۱۷	۰/۰۱۴	۰/۱۴۶	-۰/۳۵۴	۰/۵۶۶
مدیریت سود (الگوی کازنیک)	۸۳۳	۰/۰۱۰	۰/۰۰۶	۰/۱۳۳	-۰/۳۹۳	۰/۴۸۳
مدیریت سود (الگوی تعدیل‌شده جونز)	۸۳۳	۰/۰۳۷	۰/۰۲۳	۰/۱۶۱	-۰/۳۶۸	۰/۵۴۳
مدیریت سود واقعی	۸۳۳	۰/۱۰۶	۰/۱۰۲	۰/۴۵۵	-۰/۹۸۳	۰/۹۹۷
اندازه شرکت	۸۳۳	۱۳/۸۲	۱۳/۶۵	۱/۳۹	۱۰/۸۲	۱۸/۴۷
جریان‌های نقد عملیاتی	۸۳۳	۰/۱۰۶	۰/۰۹۸	۰/۱۱۴	-۰/۲۹۸	۰/۴۷۶
نسبت بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام	۸۳۳	۰/۷۰	۰/۶۵	۰/۴۱	۰/۰۱	۳/۷۶
فرصت‌های رشد	۸۳۳	۰/۹۶۵	۰/۵۴۶	۱/۱۱۹	۰/۰۶۶	۷/۹۸۵
سن شرکت	۸۳۳	۴۰/۹۲	۴۳/۰۰	۱۰/۳۱	۱۷/۰۰	۶۳/۰۰
هزینه‌های نمایندگی	۸۳۳	۰/۲۱۵	۰/۱۵۷	۰/۲۲۷	-۰/۳۶۱	۰/۹۸۵
بازده سهام	۸۳۳	۰/۵۳۳	۰/۲۲۷	۰/۹۶۵	-۰/۶۸۲	۴/۶۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

نگاره (۳) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر شاخص‌های توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزاست. این شاخص‌ها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، میانه و همچنین، اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. مهم‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست، برای مثال میانگین متغیر لحن گزارشگری مالی برابر با (۰/۰۲۵) است و بیانگر آن است که در نمونه مورد بررسی بر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار نسبت استفاده از واژگان بدبینانه به کل واژگان در گزارش فعالیت‌های هیئت‌مدیره به‌طور میانگین حدود ۳ درصد است. آمار توصیفی مربوط به حداقل و حداکثر نیز نشان می‌دهد در نمونه مورد بررسی گزارشی بوده که اصلاً از لحن

بدبینانه استفاده نکرده است، چون میزان حداقل آن صفر و از طرف دیگر حداکثر میزان آن نشان می‌دهد در گزارش‌های مورد بررسی حداکثر میزان استفاده از واژگان بدبینانه ۱۱ درصد بوده است. میزان میانگین برای متغیر مدیریت سود (کازنیک) نشان می‌دهد در نمونه مورد بررسی از شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران مدیران به‌طور میانگین ۴ درصد از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند و میزان انحراف معیار برای این متغیر که ۱۶ درصد است، نشان‌دهنده عدم پراکندگی زیاد مدیریت سود اقلام تعهدی در شرکت‌های مورد بررسی است.

آزمون فرضیه‌ها و نتایج آن

روش آماری مورد استفاده در این پژوهش روش رگرسیون با استفاده از داده‌های ترکیبی است. فرضیه پژوهش از طریق نتایج حاصل از الگوهای

اقتصادسنجی و رگرسیون چندمتغیره آزمون می‌شود. همچنین، سطح اطمینان مورد استفاده برای آزمون فرضیه و بررسی فروض کلاسیک رگرسیون ۹۵ درصد است. در داده‌های ترکیبی برای انتخاب بین داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون اف-لیمر استفاده شده است و براساس معناداری کمتر از ۵ درصد این آزمون روش داده‌های تابلویی انتخاب

شده و در مرحله بعدی برای انتخاب بین روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است که معناداری کمتر از ۵٪ آن نشان‌دهنده استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی با اثرات ثابت است و در نگاره (۴) نشان داده شده است.

نگاره ۴- نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون F لیمر			الگوهای پژوهش
نتیجه	معناداری	آماره خی دو	نتیجه	معناداری	F آماره	
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۴۲/۰۰۱	تابلویی (پانلی)	۰/۰۰۰	۶/۸۸۲	الگوی فرضیه اول، با الگوی جونز
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۳۸/۵۳۸	تابلویی (پانلی)	۰/۰۰۰	۶/۷۰۴	الگوی فرضیه اول، با الگوی تعدیل شده جونز
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۴۷/۸۵۴	تابلویی (پانلی)	۰/۰۰۰	۶/۵۶۱	الگوی فرضیه اول، با الگوی کازنیک
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۳۷/۷۳۳	تابلویی (پانلی)	۰/۰۰۰	۶/۹۱۷	الگوی فرضیه دوم

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول- با استفاده از الگوی جونز

نگاره (۵) تأثیر مدیریت سود حسابداری مبتنی بر الگوی جونز و یک سری از متغیرهای کنترلی را که مطابق پژوهش‌های گذشته برای کنترل ویژگی‌های خاص شرکت شناخته شده‌اند، بر لحن بدبینانه گزارش عملکرد سالانه هیئت‌مدیره نشان می‌دهد. معناداری آماره فیشر (۸/۷۱۱) حاکی از معناداری کلی الگو در سطح ۵٪ خطاست. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد متغیرهای مستقل الگو، ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند که توانایی تبیین مناسب است. مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۶۵۳) نیز عدم همبستگی بین خطاهای الگو را نشان می‌دهد و به معناست که امکان استفاده از رگرسیون وجود دارد. آزمون خودهمبستگی سریالی وولدريج (۳۶/۳۳۸) نشان می‌دهد بین اجزای اخلاص الگو، مشکل خودهمبستگی سریالی وجود دارد. در نتایج

آزمون هم‌خطی بین اجزای اخلاص، آماره VIF برای همه متغیرها کمتر از ۱۰ بود که نشان از نبودن هم‌خطی بین اجزای اخلاص الگوست. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس LR (۴۳۷/۷۲) نشان از وجود ناهمسانی واریانس خطاهای الگو دارد؛ بنابراین، پس از رفع ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی از طریق تخمین نهایی الگو با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) از رگرسیون حاصل، نتایج به شرح نگاره (۵) استخراج شده است که معنادار نبودن ضریب متغیر مدیریت سود حسابداری جونز نشان می‌دهد فرضیه اول پژوهش با استفاده از معیار جونز در سطح خطای ۵ درصد رد شده است؛ یعنی مدیریت سود بر طبق الگوی جونز بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی تأثیر معناداری به لحاظ آماری ندارد.

نگاره ۵- نتایج برآورد فرضیه ۱ با استفاده از الگوی جونز با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)

$TONE_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 AEM(Jones)_{i,t} + \alpha_2 \ln A_{i,t} + \alpha_3 OCF_{i,t} + \alpha_4 TLSFU_{i,t} + \alpha_5 MBV_{i,t} + \alpha_6 DIV_{i,t} + \alpha_7 FORREV_{i,t} + \alpha_8 AGE_{i,t} + \alpha_9 Q * FCF_{i,t} + \alpha_{10} R_{i,t} + \alpha_{11} CFD_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیرها	ضریب	آماره Z	معناداری	آماره VIF	
عرض از مبدأ	β_0	-۰/۰۰۶	-۰/۸۹	۰/۳۷۴	---
مدیریت سود حسابداری (الگوی جونز)	$AEM(Jones)_{i,t}$	-۰/۰۰۲	-۰/۵۱	۰/۶۰۹	۲/۰۹
اندازه شرکت	$\ln A_{i,t}$	۰/۰۰۱	۱/۰۱	۰/۲۹۷	۱/۲۰
جریان نقد عملیاتی	$OCF_{i,t}$	-۰/۰۰۳	-۰/۵۱	۰/۶۱۱	۲/۶۴
نسبت کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام	$TLSFU_{i,t}$	۰/۰۰۲	۴/۵۴	۰/۰۰۰	۱/۳۴
فرصت‌های رشد	$MBV_{i,t}$	-۰/۰۰۱	-۱/۵۰	۰/۱۳۳	۱/۸۷
شاخص تقسیم سود نقدی	$DIV_{i,t}$	-۰/۰۰۱	-۰/۴۵	۰/۶۵۰	۱/۲۱
شاخص فروش صادراتی	$FORREV_{i,t}$	۰/۰۰۷	۵/۳۹	۰/۰۰۰	۱/۱۴
سن شرکت	$AGE_{i,t}$	۰/۰۱۳	۳/۹۴	۰/۰۰۰	۱/۰۹
هزینه‌های نمایندگی	$Q * FCF_{i,t}$	-۰/۰۰۶	-۲/۰۵	۰/۰۴۱	۲/۵۹
بازده سهام	$R_{i,t}$	۰/۰۰۱	۱/۹۱	۰/۰۵۶	۱/۰۷
شاخص جریان نقد عملیاتی	$CFD_{i,t}$	-۰/۰۰۲	-۱/۷۳	۰/۰۸۳	۱/۶۲
آماره فیشر		۸/۷۱۱	معناداری	۰/۰۰۰	
ضریب تعیین		۰/۶۱۵	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۴	
آماره دوربین واتسون		۱/۶۵۳	میانگین VIF	۱/۶۲	
آزمون خودهمبستگی WOOLDRIDGE		۳۶/۳۳۸	معناداری	۰/۰۰۰	
آزمون ناهمسانی واریانس (LR)		۴۳۷/۷۲	معناداری	۰/۰۰۰	

منبع: همان

آزمون فرضیه اول- با استفاده از الگوی تعدیل شده

جونز

نتایج حاصل از برآورد فرضیه اول با استفاده از الگوی تعدیل شده جونز همان‌طور که در نگاره (۶) قابل مشاهده است، تأثیر مدیریت سود حسابداری مبتنی بر الگوی تعدیل شده جونز و یک‌سری از متغیرهای کنترلی را که مطابق پژوهش‌های گذشته برای کنترل ویژگی‌های خاص شرکت شناخته شده‌اند، بر لحن بدبینانه گزارش عملکرد سالانه هیئت مدیره نشان می‌دهد، معناداری آماره فیشر (۸/۸۰۹) نشان‌دهنده معناداری کلی الگو در سطح ۵٪ خطاست. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد متغیرهای مستقل الگو، ۵۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند که توانایی تبیین مناسب است. مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۶۷۰) نیز ناهمبستگی

بین خطاها (باقی مانده‌های الگو) را نشان می‌دهد و به این معناست که امکان استفاده از رگرسیون وجود دارد. آزمون خودهمبستگی سریالی وولدریج (۳۵/۴۱۳) نشان می‌دهد بین اجزای اخلاص الگو، مشکل خودهمبستگی سریالی وجود دارد. در نتایج آزمون هم‌خطی بین اجزای اخلاص، آماره VIF برای همه متغیرها کمتر از ۱۰ بود که نشان از نبودن هم‌خطی بین اجزای اخلاص الگو دارد. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس LR (۴۱۰/۳۵) نشان از وجود ناهمسانی واریانس خطاهای الگو دارد؛ بنابراین، پس از رفع ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی از طریق تخمین نهایی الگو با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) از رگرسیون حاصل نتایج به شرح نگاره (۶) استخراج شده است که معنادار بودن ضریب متغیر مدیریت سود تعهدی مبتنی بر الگوی

تعدیل شده جونز نشان می‌دهد طبق فرضیه اول
پژوهش هرچه میزان مدیریت سود با استفاده از اقلام
تعهدی کمتر باشد، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی
بیشتر خواهد بود.

نگاره ۶- نتایج برآورد فرضیه ۱- با استفاده از الگوی تعدیل شده جونز با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)

$TONE_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 AEM(Modified Jones)_{i,t} + \alpha_2 \ln A_{i,t} + \alpha_3 OCF_{i,t} + \alpha_4 TLSFU_{i,t} + \alpha_5 MBV_{i,t} + \alpha_6 DIV_{i,t} + \alpha_7 FORREV_{i,t} + \alpha_8 AGE_{i,t} + \alpha_9 Q * FCF_{i,t} + \alpha_{10} R_{i,t} + \alpha_{11} CFD_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیرها	ضریب	آماره Z	معناداری	آماره VIF	
عرض از مبدأ	β_0	-۰/۰۰۶	-۰/۸۲	۰/۴۱۱	---
مدیریت سود (الگوی تعدیل شده جونز)	AEM(modified Jones model) _{i,t}	-۰/۰۰۵	-۲/۱۰	۰/۰۳۶	۱/۳۸
اندازه شرکت	$\ln A_{i,t}$	۰/۰۰۱	۰/۹۴	۰/۳۴۹	۱/۲۱
جریان نقد عملیاتی	$OCF_{i,t}$	-۰/۰۰۵	-۰/۹۸	۰/۳۲۶	۱/۸۶
نسبت کل بدهی بر حقوق صاحبان سهام	$TLSFU_{i,t}$	۰/۰۰۳	۴/۹۲	۰/۰۰۰	۱/۳۱
فرصت‌های رشد	$MBV_{i,t}$	-۰/۰۰۰۳	-۰/۸۷	۰/۳۸۶	۲/۰۰
شاخص تقسیم سود نقدی	$DIV_{i,t}$	-۰/۰۰۰۵	-۰/۳۸	۰/۷۰۲	۱/۲۱
شاخص فروش صادراتی	$FORREV_{i,t}$	۰/۰۰۸	۵/۵۰	۰/۰۰۰	۱/۱۴
سن شرکت	$AGE_{i,t}$	۰/۰۱۳	۳/۹۴	۰/۰۰۰	۱/۰۷
هزینه‌های نمایندگی	$Q * FCF_{i,t}$	-۰/۰۰۶	-۲/۱۸	۰/۰۲۹	۲/۱۶
بازده سهام	$R_{i,t}$	۰/۰۰۱	۱/۸۶	۰/۰۶۲	۱/۰۷
شاخص جریان نقد عملیاتی	$CFD_{i,t}$	-۰/۰۰۲	-۱/۴۶	۰/۱۴۶	۱/۶۲
آماره فیش		۸/۸۰۹	معناداری	۰/۰۰۰	
ضریب تعیین		۰/۶۱۸	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۸	
آماره دوربین واتسون		۱/۶۷۰	میانگین VIF	۱/۴۶	
آزمون خودهمبستگی WOOLDRIDGE		۳۵/۴۱۳	معناداری	۰/۰۰۰	
آزمون ناهمسانی واریانس (LR)		۴۱۰/۳۵	معناداری	۰/۰۰۰	

منبع: همان

آزمون فرضیه اول-الگوی کازنیک

نتایج برآورد فرضیه اول پژوهش با استفاده از الگوی کازنیک همان‌طور که در نگاره (۷) قابل مشاهده است، تأثیر مدیریت سود حسابداری مبتنی بر الگوی کازنیک و یک سری از متغیرهای کنترلی را که مطابق پژوهش‌های گذشته برای کنترل ویژگی‌های خاص شرکت شناخته شده‌اند، بر لحن بدبینانه گزارش عملکرد سالانه هیئت مدیره نشان می‌دهد در این فرضیه نیز مشابه دو فرضیه قبلی برای رفع ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در الگو با استفاده

از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) تخمین زده شده و نتایج به شرح نگاره (۷) استخراج شده است که در آن معنادار بودن ضریب متغیر مدیریت سود تعهدی مبتنی بر الگوی کازنیک نشان می‌دهد این فرضیه در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود و بر طبق آن هرچه میزان مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی کمتر باشد، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی بیشتر خواهد بود.

نگاره ۷. نتایج برآورد فرضیه ۱ با استفاده از الگوی کازنیک با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)

$TONE_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 AEM(Kaznik)_{i,t} + \alpha_2 \ln A_{i,t} + \alpha_3 OCF_{i,t} + \alpha_4 TLSFU_{i,t} + \alpha_5 MBV_{i,t} + \alpha_6 DIV_{i,t} + \alpha_7 FORREV_{i,t} + \alpha_8 AGE_{i,t} + \alpha_9 Q * FCF_{i,t} + \alpha_{10} R_{i,t} + \alpha_{11} CFD_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیرها	ضریب	آماره Z	معناداری	آماره VIF
عرض از مبدأ	β_0	-۰/۰۰۶	-۰/۸۴	۰/۴۰۰
مدیریت سود حسابداری (الگوی کازنیک)	$AEM(Kaznik)_{i,t}$	-۰/۰۰۹	-۲/۳۹	۰/۰۱۷
اندازه شرکت	$\ln A_{i,t}$	۰/۰۰۱	۰/۸۸	۰/۳۷۷
جریان نقد عملیاتی	$OCF_{i,t}$	-۰/۰۰۶	-۱/۱۴	۰/۲۵۳
نسبت کل بدهی بر حقوق صاحبان سهام	$TLSFU_{i,t}$	۰/۰۰۲	۴/۶۵	۰/۰۰۰
فرصت‌های رشد	$MBV_{i,t}$	-۰/۰۰۰۲	-۰/۶۰	۰/۵۴۶
شاخص تقسیم سود نقدی	$DIV_{i,t}$	-۰/۰۰۰۳	-۰/۲۳	۰/۸۱۴
شاخص فروش صادراتی	$FORREV_{i,t}$	۰/۰۰۷	۵/۲۹	۰/۰۰۰
سن شرکت	$AGE_{i,t}$	۰/۰۱۴	۴/۲۱	۰/۰۰۰
هزینه‌های نمایندگی	$Q * FCF_{i,t}$	-۰/۰۰۵	-۱/۶۹	۰/۰۹۰
بازده سهام	$R_{i,t}$	۰/۰۰۱	۱/۸۰	۰/۰۷۲
شاخص جریان نقد عملیاتی	$CFD_{i,t}$	-۰/۰۰۳	-۱/۹۳	۰/۰۵۴
آماره فیشر		۸/۸۰۸	معناداری	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۶۱۸	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۸
آماره دوربین واتسون		۱/۶۷۷	میانگین VIF	۱/۵۰
آزمون خودهمبستگی WOOLDRIDGE		۳۵/۹۵۱	معناداری	۰/۰۰۰
آزمون ناهمسانی واریانس (LR)		۴۲۰/۸۶	معناداری	۰/۰۰۰

منبع: همان

آزمون فرضیه دوم

نتایج حاصل از برآورد فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه هرچه میزان مدیریت سود با استفاده از فعالیت‌های واقعی کمتر باشد، لحن بدبینانه در گزارشگری مالی بیشتر خواهد بود، همان‌طور که در نگاره (۸) قابل مشاهده است، تأثیر مدیریت سود واقعی و یک‌سری از متغیرهای کنترلی را که مطابق پژوهش‌های گذشته برای کنترل ویژگی‌های خاص شرکت شناخته شده‌اند، بر لحن بدبینانه گزارش عملکرد سالانه هیئت‌مدیره نشان می‌دهد. معناداری آماره فیشر (۸/۶۹۸) گویای معناداری کلی الگو در سطح ۵٪ خطاست. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد متغیرهای مستقل الگو، ۵۴ درصد از

تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند که توانایی تبیین مناسب است. مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۶۴۰) نیز ناهمبستگی بین خطاها (باقی‌مانده‌های الگو) را نشان می‌دهد و به معنی این است که امکان استفاده از رگرسیون وجود دارد. آزمون خودهمبستگی سریالی وولدریج (۳۷/۵۰۱) نشان می‌دهد بین اجزای اخلاف، مشکل خودهمبستگی سریالی وجود دارد. در نتایج آزمون هم‌خطی بین اجزای اخلاف، آماره VIF برای همه متغیرها کمتر از ۱۰ بود که نشان از نبودن هم‌خطی بین اجزای اخلاف الگو دارد. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس LR (۴۳۹/۶۰) نشان از وجود ناهمسانی واریانس خطاهای الگو دارد؛ بنابراین، پس از رفع ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی از طریق

تخمین نهایی الگو با روش حداقل مربعات
تعمیم یافته (GLS) از رگرسیون حاصل نتایج به شرح
نگاره (۸) استخراج شده است که معنادار نبودن
ضریب متغیر مدیریت سود واقعی نشان می‌دهد
مدیریت سود واقعی بر لحن بدبینانه تأثیر معناداری
ندارد.

نگاره ۸- نتایج برآورد فرضیه ۲ با استفاده از مدیریت سود واقعی با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)

$TONE_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 REM_{i,t} + \alpha_2 \ln A_{i,t} + \alpha_3 OCF_{i,t} + \alpha_4 TLSFU_{i,t} + \alpha_5 MBV_{i,t} + \alpha_6 DIV_{i,t} + \alpha_7 FORREV_{i,t} + \alpha_8 AGE_{i,t} + \alpha_9 Q * FCF_{i,t} + \alpha_{10} R_{i,t} + \alpha_{11} CFD_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیرها	ضریب	آماره Z	معناداری	آماره VIF
عرض از مبدأ	β_0	-۰/۰۰۷	-۰/۹۹	---
مدیریت سود واقعی (الگوی روی چودهری)	$REM_{i,t}$	۰/۰۰۱	۰/۸۰	۱/۲۵
اندازه شرکت	$\ln A_{i,t}$	۰/۰۰۱	۱/۱۵	۱/۲۶
جریان نقد عملیاتی	$OCF_{i,t}$	-۰/۰۰۱	-۰/۳۲	۱/۸۲
نسبت کل بدهی بر حقوق صاحبان سهام	$TLSFU_{i,t}$	۰/۰۰۲	۴/۴۵	۱/۳۱
فرصت‌های رشد	$MBV_{i,t}$	-۰/۰۰۱	-۱/۷۹	۱/۹۰
شاخص تقسیم سود نقدی	$DIV_{i,t}$	-۰/۰۰۱	-۰/۴۱	۱/۲۱
شاخص فروش صادراتی	$FORREV_{i,t}$	۰/۰۰۷	۵/۰۹	۱/۱۴
سن شرکت	$AGE_{i,t}$	۰/۰۱۳	۳/۸۰	۱/۰۷
هزینه‌های نمایندگی	$Q * FCF_{i,t}$	-۰/۰۰۷	-۲/۳۸	۲/۱۱
بازده سهام	$R_{i,t}$	۰/۰۰۱	۱/۷۸	۱/۰۷
شاخص جریان نقد عملیاتی	$CFD_{i,t}$	-۰/۰۰۲	-۱/۶۳	۱/۶۲
آماره فیشر		۸/۶۹۸	معناداری	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۶۱۵	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۴
آماره دوربین واتسون		۱/۶۴۰	میانگین VIF	۱/۴۳
آزمون خودهمبستگی WOOLDRIDGE		۳۷/۵۰۱	معناداری	۰/۰۰۰
آزمون ناهمسانی واریانس (LR)		۴۳۹/۶۰	معناداری	۰/۰۰۰

منبع: همان

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر در قالب فرضیه‌های مطرح نشان می‌دهد، درباره مدیریت سود اقلام تعهدی با استفاده از الگوی تعدیل شده جونز و الگوی کازنیک مطابق با نتایج پیش‌بینی شده در مبانی نظری است. به این صورت که تأثیر معکوس مدیریت سود با استفاده از دو الگوی تعدیل شده جونز و الگوی کازنیک بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی تأیید شده است. در واقع نظریه رفتار فرصت طلبانه، نتایج حاصل از این فرضیه را توجیه می‌کند. طبق این نظریه مدیران با استفاده از مدیریت ادراک برای واکنش نسبت به خروجی‌های منفی سازمانی، دو

همان‌طور که بیان شد هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر مدیریت سود بر لحن گزارشگری مالی است. بر طبق آنچه در مبانی نظری مطرح شد نظریه نمایندگی چارچوب توصیفی غالبی است که مدیریت ادراک را واکنشی برای نتایج منفی سازمانی برای تأمین منافع مدیریت توصیف می‌کند؛ بنابراین، گزارش‌های توضیحی شرکت ابزاری برای تحت تأثیر قراردادن ادراک و تصمیمات استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی در خصوص عملکرد و چشم‌انداز آتی شرکت در نظر گرفته می‌شود. آنچه که نتایج

رفتار پنهان کردن و تخصیص دادن را برمی‌گزینند. در این فرضیه نیز مدیر در شرایطی که از مدیریت سود اqlام تعهدی استفاده کرده باشد، برای منحرف کردن ادراک استفاده‌کنندگان نسبت به عملکرد شرکت تلاش می‌کند کمتر از لحن بدبینانه استفاده کند و بیشتر بر نتایج مثبت سازمانی تأکید داشته باشد. نتایج این فرضیه با یافته‌های یاتریدیس [۲۵] همخوانی دارد، مبنی بر اینکه هرچه مدیریت سود کمتر باشد، میزان لحن بدبینانه گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد دلیل اینکه از بین سه الگوی مدیریت سود اqlام تعهدی، الگوی جونز بر لحن گزارشگری مالی تأثیر ندارد، دقیق محاسبه‌نکردن میزان اqlام تعهدی اختیاری با این الگوست؛ زیرا الگوی جونز فرض کرده که کل درآمدها غیراختیاری است و بخش غیراختیاری اqlام تعهدی را با تغییرات کل درآمدها و دارایی‌های ثابت نشان داده، در حالی که بخش زیادی از درآمدهای غیرنقدی، اختیاری هستند و این متغیر در الگوی تعدیل‌شده جونز و الگوی کازنیک اصلاح شده و از تغییرات کل درآمدها تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی کسر شده تا بخش غیراختیاری و درنهایت خطای الگو که بخش اختیاری اqlام تعهدی است، به شکل دقیق‌تری محاسبه شود. از طرف دیگر، نتایج حاصل از فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر معکوس مدیریت سود واقعی بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی که به لحاظ آماری پذیرفته نشده است، این است که به احتمال زیاد در بازار سرمایه ایران مدیران از عدم‌شناسایی و کشف مدیریت واقعی سود اطمینان دارند و آن را به نحوی برنامه‌ریزی می‌کنند که در خود هیچ‌گونه نیازی برای پنهان کردن چیزی با حتی تغییر لحن احساس نمی‌کنند. به طور کلی، ناکارایی بازار سرمایه ایران، زمینه را برای رفتار فرصت‌طلبانه

مدیران فراهم کرده است و از این طریق، مدیران شرکت‌ها را به استفاده از مدیریت ادراک در محتوای گزارش‌ها و به‌دنبال آن در لحن گزارش‌های مالی برای منافع خود و یا گروه خاصی تشویق می‌کنند.

با توجه به نتایج فرضیه اول مبنی بر اینکه هرچه مدیریت سود از طریق اqlام تعهدی کاهش یابد، لحن گزارشگری بدبینانه افزایش می‌یابد، به سرمایه‌گذاران و سهامداران پیشنهاد می‌شود در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود، لحن گزارش‌های مالی را نیز تحلیل کنند. در صورتی که لحن گزارش بدبینانه باشد، بیانگر مدیریت سود کمتر است؛ اما در صورت مشاهده خوش‌بینانه‌بودن لحن گزارش، بررسی‌های بیشتری درخصوص محتوای گزارش‌ها نسبت به اعمال مدیریت سود تعهدی ازسوی مدیران داشته باشند. همچنین، به نهادهای قانونگذار، بورس اوراق بهادار و استانداردگذاران حسابداری پیشنهاد می‌شود در تدوین استانداردها و قوانین جدید و نیز درخصوص اصلاح موارد قبلی با آگاهی از نحوه انجام مدیریت ادراک ازسوی مدیران، چارچوب مشخصی برای تدوین گزارش‌های توضیحی با واژگان مشخص طراحی کنند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، محتوای ارزشی لحن گزارشگری مالی بررسی شود، به این معنی که آیا بازار سرمایه برای لحن بدبینانه یا خوش‌بینانه گزارش، میزان انتظارات خود را از عملکرد شرکت تغییر می‌دهد. همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، تأثیر مدیریت سود بر گونه‌های مختلف زبان‌شناسی (ساخت زبان و صراحت زبان) در گزارش‌های توضیحی حسابداری بررسی شود.

فهرست منابع

- ۱- بلکویی، احمد ریاحی. (۱۳۹۳). *تئوری‌های حسابداری*. ترجمه علی پارسائیان، چاپ سوم، تهران، انتشارات ترمه.
- ۲- بنی‌مهد، بهمن، عربی، مهدی و شیوا حسن پور. (۱۳۹۵). *پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری*، تهران، انتشارات ترمه.
- ۳- حسینی، نیره‌سادات و رضا غلامی جمکرانی. (۱۳۹۶). تحلیل محتوای پژوهش‌های مدیریت سود. *حسابداری مدیریت*، سال دهم، شماره ۳۵، صص ۹۱-۱۰۵.
- ۴- رهنمای رودپشتی، فریدون، نیکومرام، هاشم و علی‌اکبر نونهال نهر. (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیر رویکردهای قضاوتی و شناختی زبان در گزارش‌های توضیحی حسابداری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۴۷-۷۲.
- ۵- صفری گرایلی، مهدی، رضایی، یاسر و محمد نوروزی. (۱۳۹۶). مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون تجربی رویکرد فرصت‌طلبانه. *دانش حسابرسی*، سال هفدهم، شماره ۶۹، صص ۲۱۷-۲۳۰.
- ۶- طبرسا، غلامعلی و منصوره معینی کربکندری. (۱۳۹۳). بررسی رابطه مدیریت تصویرپردازی و فرسودگی شغلی. *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، سال بیست و سوم، شماره ۷۶، صص ۱۵۷-۱۸۶.
- ۷- مهرانی، ساسان و علی‌اکبر نونهال نهر. (۱۳۹۲). آزمون تأثیر رویکردهای قضاوتی زبان در کاهش فاصله انتظارات حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۲۰، شماره ۳، صص ۱۲۳-۱۴۴.
- ۸- نظری، هنگامه، حصارزاده، رضا و محمدرضا عباس‌زاده. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر ساخت زبان گزارش‌های مالی بر میزان تمایل به سرمایه‌گذاری. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال هشتم، شماره ۴، صص ۵۵-۷۶.
- ۹- یعقوب‌نژاد، احمد، بنی‌مهد، بهمن و اعظم شکری. (۱۳۹۱). ارائه الگو برای اندازه‌گیری مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری مدیریت*، سال پنجم، شماره ۱۲، صص ۱-۱۶.
- 10- Baginski, S. P., Hassell, J. M. and Kimbrough, M. D. (2004). Why do managers explain their earnings forecasts? *Journal of Accounting Research*, Vol. 22, No.1, Pp. 1-29.
- 11- Barton, J., & Simko, P. J. (2002). The balance sheet as an earnings management constraint. *The Accounting Review*, Vol.77, No.S-1, Pp. 1-27.
- 12- Chen, J. Z., Rees, L. L., & Sivaramakrishnan, s. (2010). On the use of accounting vs. real earnings management to meet earnings expectations-A market analysis. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1070122> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1070122>.
- 13- Clatworthy, M., & M. J. Jones. (2001). the effect of thematic structure on the variability of annual report readability. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, Vol. 14, No. 3, Pp. 311-326.
- 14- Cohen, D., Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50, No. 1, Pp. 2-19.
- 15- Davis, A. and I. Tama-Sweet (2012). Managers' Use of Language across Alternative Disclosure Outlets: Earnings Press Releases versus MD&A. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 29, No. 3, Pp. 804-837.
- 16- Davis, D. M, Brennan, N. M. (2007). Discretionary disclosure strategies in

- 26- Jones, J. (1991). Earnings Management during Import relief Investigations. *Journal of Accounting Research*, Vol. 29, No. 2, Pp. 193-228.
- 27- Kasznik, R. (1999). On the association between voluntary disclosure and earnings management. *Journal of Accounting Research*, Vol. 37, No. 1, Pp. 57-81.
- 28- Lambert, R., Leuz, C. & Verrecchia, R. (2007). Accounting information, disclosure, and the cost of capital". *Journal of Accounting Research*, Vol. 35, No. 45, Pp 385-420.
- 29- Louis, H. (2004). Earnings management and the market performance of acquiring firms. *Journal of Financial Economics*, Vol. 52, No. 74, Pp. 121-148.
- 30- Nacashima, M. and D, Zibart. (2016). Ton at the Top and shifts in Earnings Management. *Journal of Forensic & Investigative Accounting*. Vol. 8, Issue. 2, Pp. 1-37.
- 31- Riley, T. J. (2011). An Investigation into Managers Language Use in Earnings Press Releases. Dissertations and Theses. University of Massachusetts – Amherst.
- 32- Riley, T. J., Semin, G.R. & Yen, A. C. (2014). Patterns of Language Use in Accounting Narratives and Their Impact on Investment Related Judgments and Decisions. *Behavioral Research in Accounting*. Vol. 67, No. 1, Pp. 59-84.
- 33- Roychowdhury, S. (2006). Earnings Management through Real Activities Manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 42, No. 3, Pp. 335-370.
- 34- Stanton, P., Stanton, J. & Pires, G. (2004). Impressions of an annual report: An experimental study. *Corporate Communications: An International Journal*, Vol. 9, No. 1, Pp. 57-69.
- 35- Tetlock, P. C., Saar-Tsechansky, M. & Macskassy, S. (2008). More than words: Quantifying language to measure firms' fundamentals. *Journal of Finance*. Vol. 63, No. 3, Pp. 1437-1467.
- 36- Yuthas, K., Rogers, R., & Dillard, J. F. (2002). Communicative action and corporate annual reports. *Journal of Business Ethics*, Vol. 41, No. 2, Pp. 141-157.
- corporate narratives: Incremental information or impression management? *Journal of Accounting Literature*. Vol. 45, No. 26, Pp. 116-195.
- 17- Davis, A., J. Piger and L. Sedor (2012), "Beyond the Numbers: Measuring the Information Content of Earnings Press Release Language". *Contemporary Accounting Research*. Vol. 29, No. 3, Pp. 845-868.
- 18- Dechow, P., Sloan, R., Sweeney, A. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, Vol. 70, No. 2, Pp. 193-225.
- 19- Demers, E. and C. Vega (2010). Soft Information in Earnings Announcement: News or Noise?. *Working Paper, INSEAD*, 2010/33/AC.
- 20- Feldman, R., S. Govindaraj, J. Livnat and B. Segal. (2010). Managements Tone Change, Post Earnings Announcement Drift and Accruals. *Review of Accounting Studies*, Vol. 15, No. 4, Pp. 915-953.
- 21- Francis, B., Hasan, I., & Li, L. (2016). Abnormal real operations, real earnings management, and subsequent crashes in stock prices. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol. 46, No. 2, Pp. 217-260.
- 22- Henry, E. (2006). Market Reaction to Verbal Components of Earnings Press Releases: Event Study Using a Predictive Algorithm. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, Vol. 3, No. 1, Pp. 1-19.
- 23- Hooghiemstra, R. (2000). Corporate communication and impression management: New perspectives why companies engage in social reporting. *Journal of Business Ethics*, Vol. 18, No. 27, Pp. 55-68.
- 24- Huang, P., Zhang, Y. Deis, D. & Moffitt, J. (2009). Do artificial income smoothing and real income smoothing contribute to firm value equivalently?, *Journal of Banking & Finance*, Vol. 33, No. 2, Pp. 224-233.
- 25- Iatridis, G. E. (2016). Financial Reporting Language in Financial Statements: Does Pessimism Restrict the Potential for Managerial Opportunism?. *International Review of Financial Analysis*. Vol. 45, issue C, Pp 1-17.